

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1385/08/11

ادله شیعه بر مسح علی الرجلین

روایات دال بر مسح :

روایات متعدد است و من چهار روایت را انتخاب کرده ام که سه تایی از این ها صحیحه است و یکی از این ها ضعیف است.

روایت اول :

اولین روایت را از تهذیب شیخ، ج1، ص55 نقل می کنیم. تعبیر این است:

ما اخبرني الشيخ ایدة الله.

مراد از «الشیخ» در تمام تهذیب و استبصار، شیخ مفید محمد بن محمد النعمان است. البته در ابتدای تهذیب «ایده الله» دارد، از جلد سوم و چهارم به بعد «رحمه الله» دارد. مشخص می شود که در اوائل تألیف تهذیب، استادش شیخ مفید زنده بوده است و در اواخر آن از دنیا رفته است.

عن احمد بن محمد.

احمد چون بر زون أفعّل و غیر منصرف است و جرّ قبول نمی کند فلذا همیشه احمدّ می خوانیم؛ ولی ابن چون منصرف است به جر می خوانیم.

عن ابیه عن الحسین بن الحسن بن أبان.

در تهذیب شاید به بیش از هزار مورد برخورد کنید در اوائل سند به واژه احمد بن محمد و غالباً هم بعد از شیخ مفید است. احمد بن محمد که قبل از شیخ مفید است و استاد ایشان است، احمد بن محمد بن حسن بن ولید است و علی التحقیق ثقة است.

عن ابیه

منظور از ابیه در این جا محمد حسن بن ولید از اجلاء فقهای شیعه است و از کسانی است که در علم رجال هم ید طولایی داشته است و از مشایخ مرحوم شیخ صدوق است.

حسین بن حسن بن أبان هم ثقة است، امامی است و مشکلی ندارد.

عن الحسین بن سعید.

منظور حسین بن سعید اهوازی است که دو برادر بودند. حسین بن سعید و حسن بن سعید. هر دو از اجلاء فقها و روای شیعه هستند و دو تایی 33 تا کتاب تألیف کردند؛ ولی از آن جایی که حسین خوش شانس تر بوده، غالباً این کتاب ها به نام حسین تمام شده است.

عن ابن أبي عمير.

ابن أبي عمير هم که از اصحاب اجماع است و هم از مشایخ الثقات است. بعد در این جا می گوید:

عن ابن أبي عمير و فضالة، عن جميل بن درّاج.

کلمه «واو» که در وسط هر سندی می آید که از آن تعبیر می کنند به «واو هیلوله»، یک سند را به دو سند تبدیل می کند و در بعضی جاها سه یا چهار و حتی تا شش هفت سند تبدیل می کند. در این جا فضاله را باید به کجا عطف بزنیم؟ و از کجا به دو سند تبدیل شده است.

عن جمیل بن دراج، عن زراره.

در این جا فضاله را به کجا بزنیم؟ ما علی القاعده دو تا به عقب بر می گردیم؛ البته همه جا این قاعده نیست؛ ولی بهترین راه این است. فضاله را باید اساتیدش را بگردیم، شاگردانش را بگردیم، ببینیم از میان اساتید فضاله بن ایوب، حسین بن أبان است یا حسین بن سعید است یا ابن ابی عمیر است یا محمد بن حسن بن ولید؟ یک جا باید عطف بزنیم که امکان روایت فضاله از او باشد. این جا واو را عطف می زنیم به حسین بن سعید.

یعنی حسین بن حسن بن أبان یک بار از حسین بن سعید از ابن ابی عمیر عن زراره نقل کرده است. یک بار از حسین بن سعید، عن فضاله، عن زراره.

یعنی در حقیقت بهتر است که به این شکل بنویسیم:

حسین بن حسن بن أبان، عن حسین بن سعید، عن جمیل، عن ابن ابی عمیر، عن زاره.

حسین بن حسن بن أبان، عن فضاله، عن جمیل، عن زراره.

فایده اش این است که اگر در یک سند ضعف باشد، سند دیگر جبران می کند و ضرری به اعتبار روایت نمی زند.

حدیث معلق حدیثی است که از اول سند چند راوی حذف کرده باشد، به اعتبار این که در سند های قبلی ذکر شده است و با کلمه «وعنه» تعبیر می کنیم. غالب روایت های وسائل معلق است.

و في الوسائل: وعنه، عن ابن أبي عمير و فضاله، عن جميل بن دراج، عن زرارة بن أعين. قال حكى لنا أبو جعفر عليه السلام وضوء رسول الله صلى الله عليه وآله فدعا بقدر من ماء فأدخل يده اليميني فاخذ كفا من ماء فأسدلها علي وجهه من أعلي الوجه ثم مسح بيده الحاجبين جميعا، ثم أعاد اليسري في اناء فاسدلها علي اليميني ثم مسح جوانبها، ثم أعاد اليميني في الاناء ثم صبها علي اليسري فصنع بها كما صنع باليميني ثم مسح ببقية ما بقي في يديه رأسه ورجليه ولم يعدها في الاناء.

تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 55، 56 و الاستبصار، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 58، ح 171 و وسائل الشيعة (آل البيت)، الحر العاملي، جلد 1، ص 392

هر جا در يك حدیثی عمل معصوم برای ما معین شد، مثل وضوی پیامبر و...، از آن تعبیر می کنند به حدیث بیانیه. یعنی بیانگر فعل معصوم است. به قدری ظریف است که تمام جزئیات وضو را هم مطرح می کند. تمام ریزه کاری ها را بیان کرده است.

این روایت صحیحه است، مشکلی ندارد. شیخ دو طریق نقل کرده است و هر دو طریق هم روات ما ثقه و امامی هستند.

روایت دوم صحیحه ابوعبیده حذاء است :

اخبرني الشيخ، عن احمد بن محمد، عن أبيه، عن الحسين بن حسن بن أبان و محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد،
عن الحسين بن سعيد، عن صفوان و فضالة بن ايوب، عن فضيل بن عثمان، عن ابي عبيدة الحذاء.

در این روایت دو «واو» قرار گرفته است که سند ما را به چهار طریق تقسیم می کند؛ یعنی این روایت از چهار طریق
از معصوم به ما رسیده است.

محمد بن یحیی، ابوجعفر عطار القمی است که از اساتید مرحوم شیخ کلینی است که کلینی نزدیک دو هزار روایت از
ایشان نقل کرده است. در این جا دو تا به عقب بر می گردیم که می شود:

احمد بن محمد بن حسن بن ولید، و محمد بن یحیی عن احمد بن محمد.

احمد بن محمد که محمد بن یحیی از او نقل می کند، معمولاً مشترک بین دو نفر است: احمد بن محمد بن خالد و
احمد بن محمد بن عیسی؛ ولی از آن جایی که محمد بن احمد بن خالد ارتباطی با محمد بن یحیی زیاد نداشت، غالباً،
منصرف است به احمد بن محمد بن عیسی؛ البته ضروری به اعتبار روایت نمی زند؛ چون هر دوی آن ها ثقة هستند.

صفوان بن یحیی هم از اصحاب اجماع است و هم از مشایخ الثقات. دو باره می گوید، عن صفوان و فضالة بن ايوب،
عن فضيل. یعنی محمد بن یحیی از دو طریق نقل می کند:

احمد بن محمد عن الحسين بن سعيد، عن صفوان، عن أبي عبيدة الحذاء،

عن فضالة بن ايوب، عن فضيل بن عثمان، عن أبي عبيدة الحذاء.

فضیل بن عثمان أعر ثقة است و هیچ شکی در او نیست. ابوعبیده حذاء اسمش زیاد است، زیاد بن عیسی یا زیاد بن ابي رجا، کوفي و امامي و ثقة است و از ائمه عليهم السلام در باره ایشان تمجید زیاد داریم که تعبیر می کنند به حسن المزلة عن آل محمد (ص).

این سندی است که تهذیب نقل کرده است. در وسائل محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد.

هر کجا واژه «اسناد» ، یا «بطریقه» می آید، یعنی در شکم یاسناده، چند روای خوابیده است. منظور از این مشیخه است. شیخ صدوق و شیخ طوسی کارشان این بود که در اصل کتاب، اول سند را حذف کرده اند؛ مثلاً آمده پانصدتا روایت از زراره داشته است و معمولاً روایت هایی که از زراره داشته است، از افراد مشخصی بوده است که این افراد را در تمام سند ها حذف کرده است. در تهذیب صدها روایت نقل شده است که در سند آن دارد: عن زراره، عن ابي جعفر. زراره متوفای 150 است، شیخ طوسی متوفای 460 هست. شیخ طوسی طبقه 12 است و زراره طبقه 4. هشت تا نه واسطه افتاده است. در این جا باید به مشیخه مراجعه کرد و واسطه را پیدا کرد. مشیخه در جلد آخر من لایحضر و جلد آخر تهذیب در کتاب مشیخه هستند. در آن جا می گوید:

كلما رويت عن زراره، فقد رويت عن...

تمام روایات واسطه هایش این ها هستند. اگر آن ها ثقة بودند روایت صحیح است و گرنه، روایت ناصحیح است. بعضی از بزرگان آمده اند و طرق شیخ صدوق و شیخ طوسی را بررسی کرده اند و نتیجه اش را اعلام کرده اند. اول کسی که متصدی این کار شد علامه حلی است که در آخر کتاب رجالش این کار را کرده است. ابن داود هم این کار را کرده است. هر کسی از بزرگان کتاب رجال نوشته اند، تکلیف اسناد و مشیخه را معین کرده اند.

مفصل ترین کتابی که در باره مشیخه است، کتاب مجمع الرجال مرحوم قحبائی است که در آخر جلد هفتم مفصل بحث کرده است و دلیل آن را نیز ذکر کرده است. و بعد از ایشان مرحوم اردبیلی صاحب مجمع الروات این کار را کرده است. همچنین آقای خوبی در معجم الرجال این کار را کرده است.

172، 2 وبهذا الاسناد عن الحسين بن سعيد عن صفوان وفضالة بن أيوب عن فضيل ابن عثمان عن أبي عبيدة الحذاء قال: وضأت أبا جعفر عليه السلام بجمع وقد بال فناولته ماء فاستنحي ثم صببت عليه كفا فغسل به وجهه وكفا غسل به ذراعه الأيمن وكفا غسل به ذراعه الأيسر ثم مسح بفضل الندا رأسه ورجليه.

الاستبصار، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 58 و ج 1، ص 69 و تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 58 و ج 1، ص 79، 80 و وسائل الشيعة (آل البيت)، الحر العاملي، ج 1، ص 391